

بازتاب هویت جهادی در رمان‌های دفاع مقدس با توجه به نظریه گفتمان لاکلا و موفه (با تکیه بر دو اثر سفر به گرای ۲۷۰ درجه و در شعله‌های آب)

فائزه حاتمی‌نیا^۱، محمدرضا یوسفی^۲

چکیده

نظریه گفتمانی «لاکلا و موفه» در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی از جمله نظریات جدیدی است که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف چگونگی انعکاس این گفتمان در دو رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و «در شعله‌های آب» که با محوریت جنگ و ترویج روحیه جهادی نوشته شده‌اند؛ سعی دارد به این نکته حائز اهمیت دست یابد که این آثار چه میزان به مفصل‌بندی مفاهیم، فرایند هویت‌یابی و استقرار گفتمان‌های رایج در جامعه جنگ به‌ویژه مفهوم جدید «هویت جهادی» پرداخته‌اند؟ این مفهوم حول چه دال‌هایی و با چه مفصل‌بندی شکل می‌گیرد و چه دستاوردی را به دنبال دارد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد؛ مهم‌ترین عناصری که مؤید استقرار و هژمونیک‌شدن گفتمان و شکل‌گیری هویت جهادی شده‌اند، دال‌های فرعی چون شجاعت، ایثار، مقاومت و روحیه شهادت‌طلبی هستند که حول دال مرکزی یعنی باورها و عقاید مذهبی و ملی شکل گرفته‌اند و نتیجه و دستاورد انعکاس این هویت در رمان زنده نگه‌داشتن روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر متجاوز، تقویت استقلال‌طلبی و محافظت از امنیت این مرزوبوم، در بین مردم جامعه دور از جنگ امروز است. همچنین در انعکاس این مورد رمان «در شعله‌های آب» نسبت به رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» موفق‌تر عمل کرده است.

واژگان کلیدی

هویت جهادی، رمان دفاع مقدس، نظریه لاکلا و موفه، سفر به گرای ۲۷۰ درجه، در شعله‌های آب.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

hataminia59@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

myousefi46@yahoo.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

مقدمه

«هویت»^۱ از نظر لغوی به معنی «هستی، وجود، ماهیت و سرشت» (معین، ۱۳۷۸: ذیل واژه هویت) و ریشه لغوی آن از واژه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه هویت) در اصطلاح «به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود» (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۶).

درواقع هویت‌ها، معناهای کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهد و مردم به‌واسطه آن‌ها نسبت به رویدادها و تحولات زندگی خود حساس می‌شوند؛ بنابراین هویت، مربوط به ذهنیت مشابهی است که فرد با دیگری دارد. استوارت هال معتقد است هویت مربوط به افرادی است که مشابه هم حرف می‌زنند، فکر می‌کنند و از احساسات مشابهی برخوردارند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۳۰).

هویت، سطوح و سلسله‌مراتب مختلفی دارد؛ اما در یک دسته‌بندی کلی می‌توان دو نوع هویت را از یکدیگر متمایز کرد: اول، هویت فردی یعنی همان چیزی که فرد را به‌عنوان واسطه ویژگی‌ها و خصوصیات یگانه و منحصربه‌فرد مورد شناسایی قرار می‌دهد و درعین‌حال از دیگران متمایز می‌سازد. دوم، هویت جمعی که تعلق خاطر تعداد کثیری از افراد به امور مشترک با عنوان خاص است. چنین تعلق‌ی موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان «ما» از ماهای دیگر جدا می‌شود (توسلی؛ قاسمی، ۱۳۸۳: ۵۳).

جاکوبسن^۲ هویت فردی را احساس تمایز شخص، احساس تداوم شخص و احساس استقلال شخص می‌داند. ریچارد جنکینز^۳ نیز هویتی را جمعی می‌داند که به‌واسطه آن‌ها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷). او همچنین تفاوت میان هویت فردی و هویت جمعی را در این می‌داند که هویت فردی بر تفاوت‌ها و هویت جمعی بر شباهت‌ها تأکید دارد و خارج از دنیای اجتماعی معنا ندارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۴). به‌طورکلی در نظام هویتی اجتماعات، لایه‌های متعددی وجود دارد که میزان تعلق به برخی از لایه‌ها بیشتر و واضح‌تر از لایه‌های دیگر است، اما نکته اینجاست که این لایه‌ها با یکدیگر در تعامل است و با انباششان بر روی هم درمجموع هویت کلی فرد را شکل می‌دهند. این هویت بیانگر تشابه (چه گروه‌هایی مانند ما هستند) و تمایز (چه گروه‌هایی مانند ما نیستند) است. در این حالت، برخی از عناصر هویت تا اندازه‌ای خصلت انتخابی پیدا کرده و فرد در برگزیدن آن‌ها مختار خواهد بود (لطف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵۴).

-
1. Identity
 2. Jacobson
 3. Richard Jenkins

«جهاد» در لغت به معنای مشقت و زحمت است و در اصطلاح «بذل جان و مال در راه خدا در نبرد با کافران و یایگان» و یا به عبارتی «بذل جان، مال و توان خود، در راه اعتلای اسلام و بر پا داشتن شعائر آن» است. (شاهرودی، ۱۳۸۷: ۱۳۹)؛ امری که از زمان پیامبر تاکنون یکی از ضروری‌ترین پایه‌های جامعه دینی بوده است و آیات و روایات به آن پرداخته شده است. (ن.ک بقره: ۲۱ و ۲۱۸/ حر عاملی، ۱۳۶۳: ج ۱۱، ۹)

«هویت جهادی» هویتی جمعی است و هر گاه در جامعه‌ای شکل بگیرد، آن جامعه پیروز است؛ مانند هویتی که در شرایط خاص هشت سال جنگ تحمیلی تبلور یافت. از آنجاکه ادبیات هر ملت، آینه تمام‌نمایی از آرمان‌ها و آرزوها و بازتابی مستقیم از خواسته‌ها و آرزوهای درونی یک ملت و به عبارتی «بیان حال یک جامعه» است (ولک؛ ورن، ۱۳۷۳: ۱۰۰). نویسندگان نیز (با گرایش‌های متفاوت) دست به قلم برده و پیرامون این حادثه تاریخی عظیم، آثاری ارزشمند با انعکاس و ترویج مفهوم «هویت جهادی» خلق کرده‌اند.

به دلیل اینکه رمان مؤثرترین ابزار ادبیات داستانی شناخته شده و قادر است اثری مستقیم (موافق یا مخالف موج حاکم بر جامعه) بگذارد، اغلب نویسندگان از میان تمام ژانرهای ادبی، رمان را برگزیده‌اند. رمان‌های دفاع مقدس که عمدتاً مستند و واقع‌گرا هستند، منبعی غنی برای شناخت و بررسی «هویت جهادی» به شمار می‌روند؛ چراکه مخاطب با مطالعه آن‌ها در درجه اول با اوضاع و احوال مردم جنگ‌زده، شرایط میدان جنگ و باور و عقیده یک ملت آشنا می‌شود و در درجه دوم می‌تواند گفتمان‌های موافق و مخالف اثر و باور نویسنده و صداهای موجود در جامعه را درک کند.

با توجه به این که محور اکثر رمان‌های دفاع مقدس موضوع جهاد و دفاع است، این مسئله مطرح می‌شود: با توجه به نظریه لاکلا^۱ چه عواملی، عوامل هویت‌ساز محسوب می‌شوند؟ آیا این عوامل هویت‌ساز در رمان‌های موردنظر این پژوهش منعکس شده‌اند؟ اگر شده‌اند چه دستاوردی را به مخاطب ارائه کرده‌اند؟

پیشینه پژوهش

در مورد رمان‌های دفاع مقدس و نظریه لاکلا، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده است که هر کدام به مقوله‌ای خاص توجه کرده‌اند، از جمله می‌توان به:

تفنگ و ترازوی بلقیس سلیمانی، جنگی داشتیم داستانی داشتیم از کامران پارسی‌نژاد، رمان‌های جنگ ابراهیم حسن بیگی، جنگ از سه دیدگاه محمد حنیف، نیم‌نگاهی به هشت سال قصه جنگ از رضا رهگذر یا کندوکاوی پیرامون ادبیات جنگ و دفاع مقدس از محمد و محسن حنیف و نظریه

تحلیل گفتمان «لاکلا و موفه»^۱ و نقد آن از محمدتقی مقدمی (۱۳۹۰) اشاره کرد، اما در مورد انعکاس این نظریه در رمان‌های دفاع مقدس و علل و پیدایش آن، پژوهش درخوری صورت نگرفته است. تنها «محسن ظریفی نیا» در مقاله‌ای تحت عنوان «هویت جهادی در رمان» به بررسی این موضوع در دو اثر «نخل‌های بی‌سر» و «زمین سوخته» پرداخته است. (۱۳۹۷)

او همچنین در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان تحلیل سبک زندگی در رمان «نخل‌های بی‌سر» و «ریشه در اعماق» (۱۴۰۰) به سبک زندگی رزمندگان و شکل‌گیری باورها و عقاید آن‌ها پرداخته است. این مقالات به‌نوعی دیدی تازه را برای بررسی و تحقیق، حول محور دفاع مقدس گشوده‌اند؛ به همین دلیل این پژوهش با الگو گرفتن از آن‌ها، سعی دارد نظریه لاکلا را بر دو رمان دفاع مقدس (سفر به گرای ۲۷۰ درجه و در شعله‌های آب) تطبیق دهد؛ با این تفاوت که این رمان‌ها با نگرشی متفاوت و با فاصله‌ای بیشتر از جنگ (دهه هفتاد) نوشته شده‌اند و انسان‌محور هستند نه ارزش‌محور. (ن.ک: سعیدی، ۱۳۸۵)

سوالات پژوهش

با توجه به اینکه محور اکثر رمان‌های دفاع مقدس جنگ و دفاع است، این مسئله مطرح می‌شود که آیا «هویت جهادی» در این آثار منعکس شده است؟ و اگر شده، چگونه؟ و همچنین با توجه به نظریه لاکلا کدام عوامل باعث شکل‌گیری این مفهوم «هویت جهادی» شده است؟ چه نتیجه‌ای برای مردم امروز دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش، به روش تحلیلی - توصیفی - تطبیقی بر اساس نظریه روش گفتمانی «ارنستو لاکلا» با تکیه بر چهار عامل: شجاعت، مقاومت، ایثار و شهادت، بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. برای این منظور ابتدا منابع موردنظر مطالعه و نکات مربوط به بحث فیش‌برداری شد. در نهایت بر اساس تطبیق با نظریه «لاکلا» در چهار مؤلفه ذکر شده تحلیل گردید و به توصیف عوامل شکل‌گیری آن‌ها پرداخته شد و این نتیجه به دست آمد که هویت جهادی شکل گرفته در جامعه، بر ساخته از مفصل‌بندی‌های هژمونیک هستند. مجموعه‌ای از دال‌های اصلی و فرعی که در ارتباطی تنگاتنگ و پیوسته منجر به شکل‌گیری مقوله ماهیت جهادی شده است.

خلاقیت و نوآوری پژوهش

تطبیق نظریه «لاکلا و موفه» بیشتر بر مسائل سیاسی و اجتماعی دیده شده؛ حال با توجه به اینکه رمان‌های جنگ هم به‌نوعی آینه مسائل اجتماع هستند، نگارنده سعی دارد با در نظر گرفتن این نظریه و تطبیق آن بر رمان‌ها پاسخ پرسش‌های خود را دریابد. به عبارتی مؤلفه‌های گفتمان حاصل را در رمان‌ها جستجو کند و نتیجه جدیدی به دست آورد.

به نظر می‌رسد که بتوان در تمام موارد سیاسی-اجتماعی بتوان از این نظریه استفاده نمود و با تطبیق آن به یافته‌های ارزشمندی دست یافت.

مبانی نظری پژوهش

هر اندیشه با تکیه بر مبانی فلسفی و بنیادین خود، روش متناسب با خویش را تولید و پدیده‌های اجتماعی را در قالب آن تحلیل می‌کند. (یورگنسن؛ فیلیپز، ۱۳۹۵: ۲۲) روش تحلیل گفتمانی «ارنستو لاکلا» توصیفی-تحلیلی و انتقادی است و به نظر، نزدیک‌ترین روشی است که با استفاده از آن می‌توان با بازنگری جامعه موردنظر، اهداف و هویت مشترک شخصیت‌های داستانی و علل ایجاد آن‌ها را شناسایی کرد.

معرفی «ارنستو لاکلا»:

ارنستو لاکلا نظریه‌پرداز برجسته سیاسی است که اغلب به‌عنوان یک پساماکسیست توصیف می‌شود. او و همکارش «شتال موفه» همواره به‌عنوان زوج گفتمان‌ساز، شناخته شده است. لاکلا چارچوب پژوهشی برای توسعه نوع متمایزی از تحلیل گفتمان ارائه کرد که از نظریه پساساخت‌گرایی، به‌ویژه کارهای سوسور، دریدا و ویتگنشتاین و... بهره می‌برد. هدف لاکلا، ارائه تحلیلی ابداعی از پدیده‌های ملموسی مانند گفتمان، هویت، هژمونی بود. این گرایش نظری و تحلیلی او اکنون به تحلیل گفتمان مکتب اسکس نامبردار است. (لاکلا، ۱۳۹۵: ۱۹)

این نظریه ریشه در دو سنت نظری ساختارگرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی سوسوری دارد که اولی مبانی اندیشه اجتماعی آن و دومی نظریه معنایی این دیدگاه را فراهم می‌نماید؛ از این رو این گفتمان، قابلیت فوق‌العاده‌ای در تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی دارد. (رک: کسرای، ۱۳۸۸) در این پژوهش، با بررسی گفتمان‌های موجود و درک رابطه آن‌ها، می‌توان به شکل‌گیری مفهوم «هویت جهادی» دست یافت. در واقع «گفتمان‌ها می‌کوشند نظم معانی، ساختارهای نهادی و فرایندهای مشروعیت و حقانیت یک منطبق هژمون را از راه ابزارهای زبانی و روایت‌های ذهنی و عینی خویش، از امر واقع به جایگاه اسطوره، تصور اجتماعی و پذیرش عام برسانند». (لاکلا، ۱۳۹۵: ۶۵) گفتمان‌ها با توجه به مطالبات و الزامات اجتماعی و سیاسی جامعه و کم‌وکاستی‌هایی که گفتمان حاکم به آن دچار

شده است، نظام معنایی خود را باز ساخته و آن را به‌عنوان نظامی کارآمد در بیرون رفتن از مشکلات جامعه ارائه می‌دهند. همچنین گفتمان‌ها اموری تغییرناپذیر نیستند و هویت خود را به‌واسطه نوع ارتباطی که با سایر گفتمان‌ها دارند به دست می‌آورند؛ زمانی که یک گفتمان بتواند به ثبات نسبی برسد و نظام معنایی خود را تثبیت کند به‌صورت هژمونیک درمی‌آید؛ پس هویت یک گفتمان هویتی - ارتباطی، پویا و فعال است.

روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، توصیفی - تحلیلی و انتقادی است و متعلق به حوزه دیدگاه‌های پسامردن و پساساختارگرایانه است که با واردکردن مفاهیمی مانند قدرت، سیاست و ایدئولوژی در تحلیل خود می‌تواند ظرفیت نقد تحلیل‌های خویش را ارتقا دهد. گفتمان از مفاهیم زیاد و پیچیده‌ای تشکیل شده که ارتباطی شبکه‌ای و زنجیروار دارند. در ادامه سعی شده تا مفاهیم عمده و یاری رساننده این نظریه بیان گردد و از طرح و ذکر سایر مفاهیم جانبی اجتناب شود.

۱. مفصل‌بندی: تلفیقی از عناصری است که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند. از این‌رو، هویت هر گفتمان، بر اثر رابطه‌ای شکل می‌گیرد که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶).
۲. دال و مدلول: دال، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معنای خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود (کسرایی، ۱۳۸۸: ۳۴۳-۳۴۴).
۳. دال مرکزی: به شخص، نماد، یا مفهومی گفته می‌شود که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند. به‌مثابه عمود خیمه که اگر برداشته شود خیمه فرومی‌ریزد (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴).

۴. دال شناور: دالی که مدلول آن شناور و غیرثابت است.

۵. دال خالی: بیانگر فضای خالی است و به عبارتی نشان از عمر غایبی دارد.

۶. رابطه دال و مدلول: ثابت نیست و اختیاری است؛ یعنی یک دال می‌تواند در ادوار گوناگون مدلول‌های مختلفی داشته باشد.

۷. هویت: هویت، امری گفتمانی است؛ چراکه همه‌چیز درون گفتمان معنا می‌شود. هویت‌ها برساخته مفصل‌بندی‌های هژمونیک هستند و دارای ماهیتی ارتباطی دارند (ر.م. مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

۸. ضدیت^۱ و غیریت^۱: گفتمان‌ها در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هویت تمامی گفتمان‌ها منوط و

مشروط به وجود «غیر» است. از این رو گفتمان‌ها، همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۶۲).

۹. هژمونی و تثبیت معنا: لاکلا از انعطاف‌پذیری میان دال و مدلول استفاده می‌کند و آن را با هژمونی، پیوند می‌دهد؛ یعنی اگر افکار عمومی، معنای مشخصی را برای آن هر چند به‌طور موقت بپذیرد و تثبیت نماید، آن دال هژمونیک می‌شود (ر. م. آزرمی، ۱۳۹۲).

۱۰. قدرت: لاکلا معتقد است قدرت یعنی تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر همه آنچه آن را نفی می‌نماید (کیت نش، ۱۳۸۵: ۴۹).

با توجه به این ده محور و تطبیق آن با رمان‌های موردنظر این پژوهش درمی‌یابیم که: در نگاه لاکلا، زمانی که دال‌ها در یک آرایش ارتباطی خاص قرار گیرند، یک هویت جدید شکل می‌گیرد. در اینجا مؤلفه‌هایی چون: شجاعت، ایثار، مقاومت و روحیه شهادت‌طلبی، حول باورهای دینی مردم و عقاید و آداب و رسوم ملی (گفتمان‌های دینی و ملی) مردم شکل گرفته و ارتباطی ناگسستگی دارند؛ به عبارتی بین دال اصلی و فرعی یک مفصل‌بندی جدانشدنی وجود دارد که به‌موجب آن هویتی به نام «هویت جهادی» تبیین می‌گردد. شناخت چنین هویتی باعث می‌شود تا ملتی که نمی‌خواهد زیر بار ظلم و استکبار رود، به این باور برسد که با استفاده از این هویت می‌تواند از تمامیت ارضی و عقیدتی خود دفاع کند و اجازه ندهد تا استقلال و آزادی‌اش از دست برود؛ هرچند در این راه سختی‌های زیادی را متحمل گردد. انعکاس این مفهوم در رمان‌های دفاع مقدس باعث می‌شود تا مخاطب هم با شجاعت‌ها و دل‌آوری‌های رزمندگان در روزگار جنگ آشنا شود و هم روحیه هویت جهادی و مقاومت در برابر دشمن متجاوز در او تقویت و به جنبه‌ای ثابت و هژمونی در درون او تبدیل گردد. همچنین در یابد که برای شکل‌گیری و ثبات هر امر، حتماً گفتمان باید با کمک مفصل‌بندی و هژمونیک کردن آن به یک ثبات برسد؛ هرچند که این ثبات موقت باشد؛ چراکه گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و در نتیجه همین فرایند معنا بخش برساخته و تغییر می‌کنند؛ به عبارتی زمانی که یک گفتمان در جامعه تغییر کند، نتیجه و مدلول آن نیز تغییر خواهد کرد. در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است، مهم‌ترین گفتمان شکل‌گرفته و تقریباً ثابت، گفتمان دینی است و در مرحله بعد گفتمان ملی. نتیجه چنین گفتمانی نیز بروز عوامل یاد شده است که منجر به تشکیل «هویت جهادی» می‌گردد. آشنایی با رمان‌ها و نگرش نویسندگان برای ورود به بحث اصلی لازم است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

آشنایی با رمان‌ها و نگرش نویسندگان موردنظر پژوهش

الف) سفر به گرای ۲۷۰ درجه

احمد دهقان این اثر را با نگاهی واقع‌گرایانه و نگرشی انسان‌محور خلق نموده و با آن به شهرت رسیده است. (ر.م. سعیدی) او با انتخاب زبانی ساده و همچنین شخصیت‌پردازی متنوع و سبکی مناسب برای روایت ماجرای داستان، به‌خوبی توانسته مخاطب را به روزهای جنگ ببرد. شخصیت‌های داستان به‌خصوص شخصیت اصلی، قابل‌دسترس و زمینی بوده و از آن حالت اسطوره‌ای داستان‌های سال‌های اولیه جنگ فاصله گرفته‌اند.

داستان با محوریت دانش‌آموزی دبیرستانی به نام ناصر آغاز می‌شود که در حال گذراندن امتحاناتش است و مدام حال و هوای جبهه به سرش می‌زند و درنهایت با کمک دوستش (علی) عازم جبهه می‌شود. فضای جبهه دوستانه و صمیمی است و با آغاز عملیات ناصر و دوستانش راهی خط مقدم می‌شوند و با وجود کمبودهای نظامی شجاعانه می‌جنگند، ولی طی مدت کوتاهی بسیاری از رزمندگان به شهادت رسیده و ناصر مجروح به عقب برمی‌گردد و پس از درمان، به زندگی معمول خود ادامه می‌دهد. مدتی بعد با دریافت تلگرافی از سوی دوستان، بار دیگر شوق رفتن به جبهه او را فرامی‌گیرد و راهی می‌شود.

ب) در شعله‌های آب

مرتضی مردیها این اثر را با نگاهی انسان‌محور و متناسب با نیاز روز جامعه در نگاه به جنگ خلق کرده است. در کنار نثر زیبا همراه با تکنیک‌های زیباشناختی، روایت بی‌طرفانه راوی از وقایع روزهای اول جنگ، بر جذابیت رمان افزوده است. این رمان سویی‌های عرفانی - شاعرانه دارد؛ اگرچه نویسنده نگاهی آرمانی و تبلیغی ندارد و شخصیت‌های داستان، آدم‌هایی معمولی هستند. «هویت جهادی» که این پژوهش آن را دنبال می‌کند، کم‌وبیش در تمامی رزمندگان شکل گرفته، اما شیخ فرید، نماد کامل این هویت است.

داستان از جایی شروع می‌شود که چند رزمنده (راوی، عبود، هاشم، حیدر و شیخ فرید) همراه گردانشان، به سلمانیه اعزام می‌شوند تا چندین عملیات انجام دهند و آنجا را از وجود عراقی‌ها پاکسازی کنند، اما چیزی جز شکست نصیب نیروهای ایرانی نمی‌شود. آن‌ها از اهواز طلب نیروی کمکی می‌کنند. نیروهای ارتش ایران در ابتدا با موشک، تانک‌های دشمن را زده و موفق می‌شوند آن‌ها را کمی عقب برانند، اما هنگامی که حمله زمینی آغاز می‌شود، شکست می‌خورند. بعد از مدتی نیروهای ایرانی تدارک جنگی دیگر را می‌بینند، اما هنگامی که همه آماده جنگ و شهادت هستند فرمان توقف حمله و عقب نشینی صادر می‌شود؛ چراکه سد را باز کرده بودند تا آب سد به‌سوی دشتی که تانک‌های عراقی در آنجا بودند، سرازیر شود و تانک‌ها به گل بنشینند، اما محاسبات درست از آب در نمی‌آید و آب

به سمت نیروهای خودی جاری می‌گردد. همه تلاش می‌کنند تا راه چاره‌ای بیندیشند و سرانجام از این بحران نجات می‌یابند؛ اما در صحنه پایانی، هنگام عبور از روی پل، ناگهان با شکستن پل، ماشین به درون آب سقوط می‌کند و فرید به شهادت می‌رسد. در ذیل تطبیق این نظریه در رمان‌های فوق بیان شده است:

عوامل هویت‌ساز (دال‌های فرعی)

پس از مطالعه و بررسی نظریه لاکلا در این رمان‌ها به چهار مؤلفه (شجاعت، مقاومت، ایثار و شهادت که از آموزه‌های قرآنی استخراج شده‌اند) دست یافتیم که در واقع دال‌های فرعی این نوشتار را تشکیل می‌دادند.

۱. شجاعت

الف) شجاعت در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»

دهقان داستانی پر از هیجان و حرکت ارائه می‌کند که بیشتر اتفاقات آن حول میدان جنگ و عملیات نظامی شکل گرفته است. او در این داستان توانسته شجاعت رزمندگان را به‌عنوان یک ویژگی برتر نیروهای ایرانی به نمایش بگذارد. یکی از بارزترین صحنه‌هایی که به این مقوله پرداخته، هنگامی است که آرپی‌جی زن‌ها با تانک‌های عراقی روبه‌رو می‌شوند:

«علی روی دو زانو می‌نشیند... می‌بینم که تانک و علی رودرروی هم هستند و تانک پر گاز می‌آید طرفش... نمی‌دانم چرا این قدر بی‌خیال است و معطل می‌کند. به چند قدمی‌اش می‌رسم که او شلیک می‌کند و موج آتش قبضه‌اش از زمین بلند می‌کند... نفسم بند می‌آید. از ته دل نعره می‌زنم: علی برو کنارررر» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

در این صحنه و صحنه‌های مشابه دیگر، شجاعت رزمندگان به تصویر کشیده می‌شود. آنان با وجود جوانی و تجربه اندک، با دست خالی، دلیرانه به خطوط دشمن تا دندان مسلح یورش می‌برند؛ اگرچه آن‌ها هم به‌طور غریزی از مرگ می‌ترسند، اما ارزش و جایگاه شهادت و باورهایی چون ایمان به خدا و روز قیامت باعث شده تا شجاعانه به دل خطر بزنند. همچنین صحنه شهادت راننده نیز نشان‌دهنده شجاعت اوست. او بدون ترس از قدرت و کثرت دشمن آرپی‌جی را برداشته و با وجود جراحت، برای دفاع از کشورش، شجاعانه به سمت دشمن شلیک می‌کند و در همان لحظه خودش نیز به شهادت می‌رسد (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

ب) شجاعت در رمان «در شعله‌های آب»

مردیها شجاعت رزمندگان اسلام را در بسیاری از صحنه‌های داستانش به تصویر کشیده است. یک سوی داستان ابزارهای مادی و تجهیزات کامل دشمن بعثی و سوی دیگر رزمندگان دلاوری که با دست خالی می‌جنگند.

«بی‌فایده بود. تماس برقرار نمی‌شد. صدای آرپی-جی از سمت چپ نیروها که به دشمن نزدیک‌تر بودند، بلند شد. یک دو سه، حدود دویست متر با تانک‌ها فاصله داشتند» (مردیها، ۱۳۷۹: ۳۰).

او در چند جای داستان به شهامت رزمندگانی اشاره کرده که به‌صورت تک‌نفره یا گروهی برای شناسایی به خط دشمن زده‌اند. آن‌ها با آگاهی از تمامی خطرات، تنها به پیروزی در جنگ می‌اندیشند و شجاعانه گام برمی‌دارند. به‌عنوان مثال، بخش چهارم داستان (زیر چتر منور) ماجرای رفتن راوی و حیدر برای شناسایی (همان: ۲۶۳-۳۵۴) و همچنین در بخش پنجم گشت‌زنی راوی و شیخ فرید برای بررسی بهتر منطقه (همان: ۴۱۰-۴۱۸) به این مقوله اشاره دارند.

نویسنده در صحنه شهادت آهنگ نیز به رفتار شجاعانه و آگاهانه او اشاره می‌کند. او با علم به این که احتمال شهادتش وجود دارد، ولی برای نجات رزمندگان اقدام به شلیک می‌کند. آخرین کلامی که از او به گوش می‌رسد این است: «اگر شلیک نکنیم می‌فهمند درست زده‌اند، باز هم می‌زنند». (همان: ۳۷۴) شهادت آهنگ به‌عنوان رزمنده‌ای که با سایر رزمندگان آرمانی ذهنی ما متفاوت است می‌تواند گویای این نکته باشد که مدلول شجاعت، از دال‌های متفاوتی نشئت می‌گیرد.

نکته مهم دیگر اینکه طبق اصل ضدیت نظریه «لاکالا» برای درک بهتر یک مفهوم از قطب مخالف آن استفاده می‌کنیم؛ طبق این اصل نویسنده در این رمان از مفهوم ترس برای پررنگ کردن مفهوم شجاعت بهره برده است. به‌عنوان مثال در بخشی از داستان، سرهنگ پورمعراج می‌گوید: «روزهای اول چند تا سرباز را فرستادم دیده‌بانی. همه‌شان می‌آمدند توی سنگرهای خط مقدم. جرئت نمی‌کردند پیش‌تر بروند... یکی از سربازها به خودش تیر زده بود که به‌عنوان زخمی از میدان در برود. می‌گفت تیر خورده، ولی معلوم بود دروغ می‌گوید. آتش دهانه، شلوارش را سوزانده بود و این نشان می‌داد گلوله نزدیک نزدیک شلیک شده...» (مردیها، ۱۳۷۹: ۲۰۱).

در این مثال، خودزنی سرباز، از هراس او برای شرکت در جنگ و شهادت، به‌خوبی نقطه مقابل شجاعت را به تصویر کشیده و اصل ضدیت را نمودار ساخته است.

۲. مقاومت

الف) مقاومت در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»

«دهقان» بیشتر داستانش را به مقاومت رزمندگان اختصاص داده و توانسته فضای پایداری و استقامت نیروها را ترسیم کند. از آغاز عملیات تا پایان داستان، مقاومت رزمندگان، مؤلفه‌ای است که نمود شفاف‌تری می‌یابد؛ رزمندگانی با روحيات متفاوت، اما هدفی مشترک که از تمامی خواسته‌های خود دست کشیده، به مبارزه با متجاوز برخاسته‌اند. او به جنبه‌های متفاوتی از مقاومت رزمندگان اشاره کرده است.

* تحمل و استقامت در برابر سختی‌های فیزیکی و محیطی

تحمل سرمای گشنده زمستان در طول جنگ: «سوز سرد لوله می‌شود تو کمپرسی. سرما تا مغز استخوانم نفوذ می‌کند. رسول رو به باد ایستاده و رد اشک رو گونه‌هایش کشیده شده. آب بینی‌اش راه افتاده و او بی‌توجه است» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

* تحمل مصائب و حفظ روحیه رزمندگان

این که رزمندگان به‌ویژه فرماندهان هنگام شهادت هم‌زمانشان باید نقطه‌ضعفی از خود نشان ندهند و تلاش کنند روحیه سایر افراد را حفظ نمایند. مثلاً در شهادت علی: «مهدی چیزی نمی‌گوید. به دسته برمی‌گردیم و آرام و ساکت هم‌پای ستون جلو می‌رویم. گمان نمی‌کنم چهره‌اش تغییری کرده باشد. مهدی همیشه آرام است و مهربان و تودار. می‌دانم در این‌طور وقت‌ها چه زجری می‌کشد و چه خودخوری می‌کند. به ستون گردان نزدیک می‌شویم. می‌دانم که نه در چهره و نه در لحن و کلام، نباید از خود ضعفی نشان دهم» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

* مقاومت در برابر دشمن بعثی

ناصر و دوستانش نماد رزمندگانی هستند که تا آخرین لحظه عمر در مقابل متجاوز می‌ایستند و لحظه‌ای از آرمان‌ها و عقایدشان پا پس نمی‌کشند. بهترین صحنه‌ای که نویسنده در آن، مقاومت رزمندگان را توصیف کرده، قسمتی از عملیات است که آنان در کانالی با شرایط سخت و دشوار، تحت محاصره دشمن قرار گرفته و مجبور هستند ضمن تحمل چنین شرایطی با دست‌خالی و کمترین امکانات و تجهیزات تا فرارسیدن شب و رسیدن نیروهای تازه مقاومت کنند (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۷۴-۱۷۵).

ب) مقاومت در «در شعله‌های آب»

«مردیها» نیز در خلق فضای پایداری و به تصویر کشیدن استقامت رزمندگان توانسته تصاویر نابی را به مخاطب ارائه نماید:

* مقاومت در برابر سختی‌های محیطی

«بچه‌ها خسته بودند. این چند شب زیرانداز درست و حسابی پیدا نمی‌شد. خوابیدن روی موزاییک و آسفالت، به‌خصوص اوایل صبح که نیش سرما هم می‌گریزد، گوارا نبود. نان خشک ریز شده و پنیر تنها دیوار دفاعی در مقابل هجوم گرسنگی بود» (مردیها، ۱۳۷۹: ۲۱).

* مقاومت در برابر قدرت انتقام

هنگام اسارت تعدادی از نیروهای بعثی به دست نیروهای ایرانی، باوجود امکان مقابله به‌مثل با آن‌ها، بزرگ‌منشی رزمندگان مانع از چنین رفتاری با آنان گردید. «دست‌هایشان را محکم ببند و دورشان کن از اینجا» (همان: ۲۶). درواقع آن‌ها در مقابل وسوسه افکار خود و سخن دیگران مقاومت نمودند تا بتوانند رفتاری اسلامی از خود نشان دهند؛ چراکه در آموزه‌های دینی و سخن بزرگان بارها شنیده‌اند که باید با اسیر مدارا کرد. «به اسرا غذا داده‌ای؟... بیا مقداری از این غذا را بردار و برایشان ببر. دست‌هایشان را هم باز کن بگذار با خیال آسوده چیزی بخورند» (مردیها، ۱۳۷۹: ۸۳).

* مقاومت در خشم و هیجانات ناگهانی

در بخشی از داستان که نیروهای ایرانی در محاصره دشمن قرار گرفته‌اند؛ در حالی که تعداد زیادی به شهادت رسیده و فرمانده از آنان خواسته است که روی زمین بی‌حرکت بمانند، یکی از رزمندگان نمی‌تواند جلوی خشمش را بگیرد و فریاد می‌زند: «کشتند همه را، روی زمین بخوابیم که چی بشود؟ من الان شلیک می‌کنم». فرمانده (فرید) پاسخ می‌دهد: «عاقل باش. وقت احساساتی شدن نیست». این رفتار «فرید» نشان‌دهنده روحیه بالای مقاومت و عقلانیت او است؛ اگرچه او نیز از شهادت هم‌زمانش اندوهگین است، اما عقلانیت حکم می‌کند برای حفظ جان سایر رزمندگان بر این مصیبت صبوری کند و در برابر خشمی که او را به عملی نسنجیده سوق می‌دهد، مقاومت نماید. او به افرادش چنین فرمان می‌دهد: «اگر گوش به حرف من هستی، خودتان را حفظ کنید. مبادا که خون جلوی چشمانتان را گرفته باشند و برای انتقام خودتان را به کشتن بدهید» (مردیها، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

۳. ایثار

الف) ایثار در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»

ایثار از پرشکوه‌ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و تنها انسان‌های بزرگ به این قله شامخ صعود می‌کنند. ایثار در لغت به معنای «برگزیدن، دیگران را بر خویش مقدم داشتن و مانند آن است» (دهخدا، ۱۳۷۹: ذیل واژه ایثار).

سرتاسر داستان مؤلفه ایثار از شخصیت‌های مختلف داستان به چشم می‌خورد.

ایثار در جامعه: ابتدای داستان بیانگر ایثار مادری است که نماد زنان شجاع و فداکار و ایثارگر جامعه است. مادرانی که با تمام عشق و محبت و علاقه به فرزند، به خاطر باورهای دینی، به‌خصوص گفتمان عاشورایی و الگو گرفتن از حضرت زینب (س)، جگرگوشه‌شان را راهی میدان سرخ شهادت می‌کنند؛ اگرچه ممکن است اشک بریزند و احساس نگرانی کنند، اما این لازمه بعد مادریست؛ چراکه گفتمان دینی از ابعاد عاطفی و احساسی نیز برخوردار است، اما نکته قابل تأمل این است که این عواطف و احساسات، خللی در هدف گفتمان ایجاد نمی‌سازند. رجبی نیا معتقد است برخی از اخلاق و منش‌هایی که افراد در زندگی بروز می‌دهند، فقط در مکتب الهی معنا می‌یابد و می‌توان ادعا کرد بدین شکل در مکاتب غیر الهی معنادار نیست (رجبی نیا، ۱۳۹۱: ۵۱۹).

«مادر چند لقمه بیشتر نمی‌تواند بخورد. این را از حال و روزش می‌فهمم. می‌رود سر وقت کمد و لباس‌ها را می‌ریزد بیرون. ساکم را پهلوی خودش می‌گذارد و لباس‌هایم را تو آن می‌چیند... می‌گوید: همه چی برات گذاشتم... مادر یکجا بند نمی‌شود. به هر سو می‌رود. آینه، قرآن، کاسه برنج، لیوان پر آب و شاخه‌ای تک برگ سبز را که از گلدان کنده، توی سینی می‌چیند. برمی‌خیزم. مادر اشک می‌ریزد. جلوی در اتاق سینی را بالا می‌گیرد. سر خم می‌کنم و می‌گذرم» (دهقان، ۱۳۹۳: ۳۰).

ایثار در جنگ: دهقان در توصیف مفهوم ایثار در میان رزمندگان دفاع مقدس آن‌چنان نیرومند عمل نموده است که در بخش‌هایی از داستان از رئالیسم داستانی به جنبه‌های ناتورالیستی ورود می‌کند و صحنه‌های دلخراش و تکان‌دهنده‌ای را از نحوه شهادت آنان گزارش می‌نماید که تحمل تصور آن برای مخاطب دشوار است؛ مثال روده‌ها و مغز.

ب) ایثار در «در شعله‌های آب»

در این رمان، ایثار و فداکاری در سطوح مختلف از گفتار تا کردار شخصیت‌های داستانی ترسیم شده است. به‌عنوان مثال:

* ایثار در جامعه: پدری که با دل بریدن از خانواده راهی جبهه شده و از حق خود ایثار کرده است. او عشق به امام را جایگزین عشق به فرزند نموده است. او در پاسخ به این سؤال که آیا دلتنگ فرزندت هستی؟ می‌گوید: «نه. دلم را یکدل کرده‌ام... دم آمدن به مادر بچه گفتم من تا آخر ایستاده‌ام. این تو

بمیری هم از آن تو بمیریها نیست؛ پس بهتر است از همین الان آماده باشی... البته جدا شدن از دختر کوچکم، رقیه سخت بود. تازه زبان باز کرده. نمی‌دانی چه قدر شیرین است. عکسش را گذاشتم توی جیبم تا هر وقت دلم هوایش را داشت، نگاهش کنم» (مردیها، ۱۳۷۹: ۳۳۳) و ادامه می‌دهد:

«اتوبوس راه نیفتاده بود که دلم برایش یک ریزه شد. عکس را نگاه کردم. بهتر که نشد هیچ، یهو دلم خواست برگردم دوباره ماچش کنم. همان جا عکس را پاره کردم از پنجره ریختم بیرون. اهواز که رسیدیم یک عکس امام، از اینها که به سینه لباس‌های کار دوخته‌اند، گرفتم و گذاشتم جایش. دست من و دامن این سید. حجت خداست» (مردیها، ۱۳۷۹: ۳۳۴).

* ایثار در جنگ: در قسمتی از داستان، سرهنگ به عنوان فرمانده ارتش تصمیم می‌گیرد که به‌جای فرستادن نیروهای زیر دستش، به منطقه پرخطر، خود وارد عمل شود: «دست آخر دیدم چاره‌ای نیست جز این که خودم کلنگ بردارم و دست به کار بشوم. از وقتی این دیدگاه درست شد گلوله‌های ما خیلی دقیق‌تر می‌خورد» (مردیها، ۱۳۷۹: ۲۰۱).

۴. روحیه شهادت‌طلبی

الف) شهادت‌طلبی در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»

در باورهای دینی شهادت توفیقی از سوی خداوند است که تنها بندگان خاص خدا لایق آنند. زمانی که چنین باوری در ذهن افراد شکل بگیرد، نه تنها از مرگ نمی‌هراسند؛ بلکه در دل آرزوی رسیدن به آن را دارند. در شرایط حساس جنگ، شهادت به اصلی‌ترین مؤلفه در این گفتمان ارتقا یافته است. فیست در کتاب «نظریه‌های شخصیت» بیان کرده اهدافی که هر فرد به دنبال آن است، از افکاری که در ذهن دارد سرچشمه می‌گیرد و ارزش نهادن به افکار باعث ترغیب هدف می‌شود. (فیست و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۳).

شخصیت اصلی داستان، ناصر و دیگر دوستان او در حین عملیات، شاهد به شهادت رسیدن هم‌زمانشان، آن هم به صورت بسیار دلخراش هستند. دلیلی که تحمل این شرایط را برای آنان آسان می‌کند، پیشینه ذهنی‌شان در مورد مفهوم والای شهادت است. اگر چنین نبود مسلماً گفتمان موردنظر تغییر می‌کرد و ماهیت جهادی رزمندگان دچار شکست و از هم پاشیدگی می‌شد. آن‌ها شهادت دوستانشان را مایه افتخار و سربلندی می‌دانند. شهادت علی و مهدی در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» از این موارد است (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۶۴ و ۱۸۶).

ب) شهادت‌طلبی در «در شعله‌های آب»

شهادت در این اثر جنبه تراژیک ندارد؛ بلکه مرگی است که انسان آگاهانه به سوی آن گام برمی‌دارد و در این راه هر اتفاقی را با آغوش باز می‌پذیرد. جایگاه شهادت در نگاه رزمندگان به حدی والا بود که برخی آن را بر اسارت ترجیح می‌دادند. به‌عنوان مثال: زمانی که حیدر و راوی تصور می‌کنند به دست نیروهای دشمن محاصره شده‌اند و چاره‌ای جز تسلیم شدن و اسارت ندارند، حیدر شجاعانه نارنجکی در دست می‌گیرد تا با شهادت خود تعدادی از عراقی‌ها را به درک واصل کند: «نارنجکی در دست حیدر اسیر بود و ضامنش رها. تقلا می‌کرد بگیریزد... اما پنجه‌های قوی حیدر آن قدر نارنجک را محکم گرفته بود که گفتی الان میان دستش خرد می‌شود... من نمی‌خواهم تسلیم بشوم...» (مردیها، ۱۳۷۹: ۳۵۳).

شهادت آهنگ نمونه‌ای دیگر از شهادت آگاهانه رزمندگان است که نویسنده به‌گونه‌ای دلخراش آن را توصیف می‌نماید: «به آهنگ نگاه کردم. ترکش دیگری به سبیکش نشسته و تمامی گلویش را تا پشت خرخره جویده بود. استخوان گردن را شکسته و در دل صندوق چوبی پر از خاک فرو رفته بود. آهنگ به روده‌هایش که هنوز توی دستانش آویزان بود، با تعجب و خیره نگاه می‌کرد...» (مردیها، ۱۳۷۹: ۳۷۴).

فرید هنگام رفتن به عملیات به‌گونه‌ای آماده می‌شود که گویا از شهادت خود آگاه است. این امر، اخلاص و لیاقت او را نشان می‌دهد: «فرید اما لباس نو به تن کرده بود و سر و ریشش را آراسته... هر قدمی که برمی‌داشت، هر تکانی که به اندامش می‌داد، موجی از عطر یاس تو را با خود می‌برد... خیر باشد انشالله میهمانی تشریف می‌بری؟... الله‌اعلم» (مردیها، ۱۳۷۹: ۴۸۱).

در این مؤلفه نویسنده به اهمیت حفظ جان، اشاره کرده تا مخاطب گمان نکند که هرگونه کشته شدن در جنگ، شهادت محسوب می‌شود. از این رو اگرچه در اسلام و آموزه‌های آن، جهاد و شهادت در راه خدا از ارزش والایی برخوردار است، اما همواره سفارش به حفظ جان هم به موازات آن توصیه شده است؛ چیزی که فرماندهان بارها به رزمندگان گوشزد می‌کردند؛ هنگامی که نیروها در عملیات به فرمانده می‌گویند: «اگر قرار است کشته شویم، حمله می‌کنیم. هرچه بادا باد» شیخ فرید پاسخ می‌دهد: «نه هیچ‌کس سر خود کاری نکند. اگر «رکعتان فی العشق» را با یک گوش شنیده‌اید «لاتلقوا بایدیکم» را هم با گوش دیگر بشنوید. این ترس از مردن نیست» (مردیها، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

دال مرکزی

طبق نظریه «لاکلا» دال‌ها و مدلول‌ها در یک مفصل‌بندی خاص در کنار هم قرار می‌گیرند و در نتیجه هویتی تازه را خلق می‌کنند. هویت نیز مانند مفهوم فرهنگ و جامعه دارای خصلت زمانی و فرا نسلی است؛ یعنی از یک سو ریشه در گذشته مشترک و از سوی دیگر رو به آینده مشترک دارد. در

رمان‌های دفاع مقدس، باورهای مذهبی (گفتمان دینی) و عرق میهن‌پرستی (گفتمان ملی) و همچنین دفاع از ناموس و روحیه جوانمردی (گفتمان غیرت) دال‌های اصلی هستند؛ که البته در جامعه ما گفتمان دینی از سایر موارد پررنگ‌تر است و در اکثر موارد ترکیبی از این گفتمان‌ها در فرد شکل می‌گیرد. رفتارهایی چون شجاعت، مقاومت، ایثار و شهادت‌طلبی دال‌های فرعی هستند که حول محور دال‌های مرکزی در حال شکل‌گیری بوده و در پیوند با هم «هویت جهادی» را شکل می‌دهند.

الف) باورهای مذهبی:

«سفر به گرای ۲۷۰ درجه» مخاطب تنها با ناصر که شخصیت اصلی است تا حدودی آشنا می‌شود و می‌تواند در مورد حضور این نوجوان در جبهه و داشتن هویت جهادی او حدس‌هایی بزند. در همان ابتدای داستان، از نوع لباس پوشیدن مادر و وضع ظاهری خانه (دهقان، ۱۳۹۳: ۶) مشخص می‌شود که ناصر از طبقه متوسط جامعه و متدین است. پدر و مادرش تحصیل کرده نیستند. در چند جای داستان به نماز خواندن و دعا کردن مادر اشاره شده است. ناصر با خواهر و برادرش رابطه‌ای صمیمی و واقعی دارد؛ بنابراین این باور در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد که ناصر هم از اعتقادات مذهبی برخوردار بوده و دال اصلی در وجودش نهادینه شده است. در مورد سایر رزمندگان هم تنها به نماز خواندن آن‌ها اشاره شده و از سایر ابعاد روحی و معنوی آن‌ها سخنی به میان نیامده است. مردیها در «در شعله‌های آب» در انعکاس هویت جهادی و علت شکل‌گیری آن موفق‌تر از دهقان عمل کرده است؛ اگرچه او هم شناسنامه‌ای از رزمندگان ارائه نکرده، اما به ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری خاصی در برخی از کاراکترها پرداخته که ارتباط بین ذهنیت و بروز رفتار و گفتار جهادی در رزمندگان را بهتر نشان می‌دهد. در سراسر داستان، باور به اعتقادات مذهبی و انجام واجبات دینی موج می‌زند؛ رزمندگان هرگز از انجام واجبات غافل نیستند حتی در سخت‌ترین شرایط: «کنار دیوار جنگل با پاهای درون چکمه به نماز ایستادیم» (مردیها، ۱۳۷۹: ۳۴).

«شیخ فریدون دو زانو رو به قبله نشسته بود و با حال خوشی قرآن می‌خواند» (مردیها، ۱۳۷۹: ۱۲۹).
 «حیدر مفتاح کوچکش را از جیب بیرون کشید و آرام در میان آن فرو رفت» (مردیها، ۱۳۷۹: ۱۵۳).
 «فرید در سجود باز هم کمال انقطاع را می‌طلبید. با صدایی آهنگین و از سوز دل» (مردیها، ۱۳۷۹: ۴۱۳).

اعتقاد به ائمه و باور عمیق به گفتمان عاشورایی: «حیدر می‌گوید: ایام، ایام شهادت امام حسین است. کسانی که بکشند انتقام او را گرفته‌اند و کسانی که شهید شوند در رکاب او شهید شده‌اند و هر دو هم با او محشور می‌شوند» (مردیها، ۱۳۷۹: ۴۳۲).

ب) وطن پرستی و میهن دوستی:

عبود می‌گوید: «نمی‌دانم اگر شما هم مثل ما خوزستانی‌ها گوشستان دم دندان این گرگ‌ها بود، باز هم همین را می‌گفتید؟... می‌ترسم همین‌طور الکی الکی خوزستان از دستمان برود. می‌ترسم پرچمان را بخوابانند... نباید برگردیم» (مردیها، ۱۳۷۹: ۵۹).

سروان نوش‌آذر هم یک وطن پرست تمام عیار است: «آره طاقت نیاوردم آنقدر بی‌اعتبار شویم که چهار تا عرب سوسمار خور هم به این آب‌و‌خاک طمع کنند. تا رمق زندگی زیر پوست ایرانی می‌جنبید، نخواهند گذاشت یک مشت گربه پلشت توی تاریکی خودشان را سمور جا بزنند» (مردیها، ۱۳۷۹: ۱۹۶).

تمامی این دال‌های اصلی و فرعی با قرار گرفتن در یک مفصل‌بندی خاص، باعث شکل‌گیری هویت جهادی شده‌اند. لاکلا معتقد است: اگر بر سر معنایی خاص برای یک دال در جامعه، اجماع حاصل شود و افکار عمومی معنای مشخصی را برای آن هر چند موقت بپذیرند و تثبیت نمایند، آن دال هژمونیک می‌شود. (ن.ک: هنری، ۱۳۹۲) بر این اساس هویت جهادی به‌عنوان دال هژمونیک در گفتمان مذهبی شناخته شده و در شخصیت شیخ فرید بروز و ظهور کامل یافته است. این شخصیت هژمونیک، حاصل ثبات گفتمان موردنظر در وجود او بوده و باعث الگوپذیری رزمندگان از او شده است. بنابراین تا زمانی که هویت جهادی در هر جامعه‌ای حاکم باشد، آن جامعه از تجاوز متخاصمان مصون می‌ماند، اما هر گاه در مفصل‌بندی این دال‌ها خللی اساسی شکل بگیرد، پایه‌های این گفتمان متزلزل می‌گردد.

ج) غیرت:

«مشکل ما غیرت است. همان چیزی که او (بنی‌صدر) از شرش آزاد است». (همان: ۱۰۳) عبود نماد یک رزمنده با غیرت است که قبل از انقلاب لات بوده: «لات بودیم، اما لات لوطی، نه لات لاشخور... اما انقلاب یکهو بی‌خبر رسید... قلابش گرفت زیر سق ما. کشیدمان بیرون. از راه میخانه به مسجد افتادیم. کی باور می‌کنند؟» (همان: ۶۹) حالا او رزمنده‌ای است که رگ غیرتش او را به مقابله با دشمن کشانده است: «من اگر یک نفر هم باشم زنجیر این تانک‌ها را با دندان می‌جوم... این بی‌غیرت‌ها باید بفهمند شیر اگر در زنجیر هم باشد، شیر است...» هاشم نیز می‌گوید: «البته اگر تنها یک مایه امید در دل من باشد، همین غیرتی است که بچه‌های انقلاب از خودشان بروز می‌دهند». (همان: ۱۴۱)

نمونه‌ای دیگر سرباز ضیایی، تک‌تیراندازی است که برای گذراندن دوره خدمت به جبهه آمده و اکنون تحول روحی یافته و غیرتش اجازه نمی‌دهد از رویارویی با دشمن پا پس بکشد: «برای این که یکی پشت آن خاک‌ریز می‌خواهد مرا بکشد، گلوله روی سر من می‌ریزد. حالا دیگر کار به روکم‌کنی

رسیده است... تا حالا چند تا از هم‌دوره‌ای‌هایم را جلوی چشمم کشته است. می‌زنیم به هم ببینیم کی می‌برد». (همان: ۴۵۲)

نتیجه‌گیری

جنگ تحمیلی یکی از مهم‌ترین وقایعی است که کشور اسلامی ما را از هر جهت تحت تأثیر قرار داده و باعث خیزشی عمومی جهت دفاع از کشور شده است. با تأمل در عرصه‌های گوناگون جنگ و به تبع آن، انعکاس جنبه‌های مختلف آن در ادبیات دفاع مقدس، درمی‌یابیم که گفتمان مذهبی و اعتقاد به ارزش‌های دینی به‌خوبی در ادبیات جنگ نمود یافته است. این پژوهش با تطبیق نظریه لاکلا بر دو اثر «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و «در شعله‌های آب» به این نتیجه می‌رسد که مؤلفه‌هایی چون «شجاعت، ایثار، مقاومت و روحیه شهادت‌طلبی» دال‌های فرعی هستند و ریشه در باورهای مذهبی و ملی افراد (دال مرکزی) داشته و در یک مفصل‌بندی خاص و ارتباطی محکم و ناگسستنی با هم قرار دارند و نتیجه این ارتباط زنجیروار در گفتمان جنگ ظهور هویتی جدید است که به‌عنوان یک هویت هژمونیک شناخته شده و آن «هویت جهادی» است و تا هر زمان که وجود ارتباط بین این دال‌ها و مؤلفه‌های آن، ثابت و پابرجا باشد از بین نمی‌رود.

اگرچه بازتاب مسائل دینی و شکل‌گیری مفهوم هویت جهادی در هر دو اثر فوق نمود داشته، اما رمان «در شعله‌های آب» در این مسیر موفق‌تر بوده است. نویسنده این رمان با اشاره به عقاید مذهبی رزمندگان (اقرار به توحید و معاد، ارزش نهادن به جهاد و شهادت، الگوبرداری از واقعه عاشورا، باور به حقانیت خود در برابر دشمن، پیروی از رهبری فرزانه و...) این باورها را همان دال‌های مرکزی دانسته که مؤلفه‌های فرعی موردنظر از آن نشئت گرفته و نویسنده گفتمان مذهبی را عامل اصلی ایجاد هویت جهادی معرفی نموده است. مردیها توانسته با به‌کارگیری ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها (همان اصل ضدیت و غیریت در گفتمان لاکلا) در کنار هم به‌گونه‌ای عمل کند که مخاطب به برتری گفتمان غالب (باورهای دینی) یقین حاصل کرده و بداند که نتیجه کار به دست آوردن استقلال و امنیت و سرافرازی میهن است. در اثر او شخصیت شیخ فرید، نماد کامل هویت جهادی است.

اما دهقان در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» به‌منظور اجتناب از متهم شدن به شعارزدگی از اشاره مستقیم به ویژگی‌های دینی رزمندگان خودداری کرده و تنها عملیات شجاعانه نیروهای ایرانی را به تصویر کشیده است. در واقع بیشتر شخصیت‌های داستان او نیز با الهام گرفتن از آموزه‌های دینی توانسته‌اند به هویتی جهادی دست یابند اما این نکته‌ای است که مخاطب خود به آن می‌رسد و نویسنده در بیان علل بروز آن مطلب خاصی را عنوان نکرده است.

رمان جنگ می‌کوشد تا نسل امروز را با جایگاه مبانی اعتقادی و ارزشی آشنا کند و عامل اصلی شکل‌گیری هویت جهادی را باورهای دینی و مذهبی معرفی نماید و شکل‌گیری چنین هویتی را عامل

اصلی استقلال یک کشور بدانند که ریشه در سبک زندگی اسلامی مردم ایران دارد. چنین ملتی هرگز حاضر به تسلیم در برابر سلطه‌گری‌ها و تجاوزات کشورهای متخاصم نخواهد شد.

البته باید به این نکته نیز توجه نمود که هویت جهادی ممکن است به‌تنهایی باعث پیروزی مطلق نشود و برای رسیدن به هدف به یک دال مرکزی و عنصری اصلی‌تر نیاز باشد و آن عنصر وجود رهبری فرزانه و آگاه است که مردم به او نگاهی باورمند و اعتقادی داشته باشند و بتوانند با الهام از سخنان چنین رهبری به اهداف خود نائل آیند؛ همان‌طور که در جنگ تحمیلی حضور امام خمینی (ره) و رهبری ایشان محور اساسی در استفاده و برانگیختن هویت جهادی بود و در کنار ایشان، دال‌های فرعی بسیاری حاضر بودند که در میان رزمندگان، چراغ این ماهیت را همواره روشن نگاه می‌داشتند؛ مثل حضور فرماندهان شجاع، روحانیون و رزمندگانی که نماد هویت جهادی بودند و رفتار و گفتارشان تأثیری مستقیم بر اطرافیان‌شان می‌گذاشت.

چهار مؤلفه موردنظر (شجاعت، مقاومت، ایثار و شهادت) از آموزه‌های قرآنی استخراج شده و عامل شکل‌گیری آن‌ها نیز ریشه در باورهای دینی دارد. در دین مبین اسلام همان‌طور که اشاره شد، جهاد و زیرمجموعه‌هایش جایگاه والایی دارند؛ بنابراین هر انسان مؤمن و متعهدی باور دارد که با انجام تکالیف الهی به عزت و سرافرازی می‌رسد. همین باور، هویت جهادی را تقویت می‌کند؛ هویتی که امروز محدود به ایران نیست و در سایر کشورهای اسلامی گسترش یافته است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *جهانی‌شدن و هویت ملی و جهانی‌شدن*. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی دانشگاه تهران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- توسلی، غلامعباس؛ قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۳). *مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی*. مجله جامعه‌شناسی ایران. ۵۴-۵۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). *وسائل*. کتابفروشی اسلامی. ج ۱۱.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: شیرازه.
- خلجی، عباس (۱۳۸۶). *ناسازنده‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی (۱۳۷۶-۱۳۸۴)*. پایان نامه دکتری. علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- دهقان، احمد (۱۳۹۳). *سفر به گرای ۲۷۰ درجه*. تهران: سوره مهر.
- رجبی نیا، داوود (۱۳۹۱). *اسلام و زیبایی‌های زندگی*. قم: موسسه امام خمینی.
- سعیدی، مهدی (۱۳۸۵). *رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ*. پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره هفتم. ۲۱-۳۶.
- شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۷). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. قم: نشر موسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی. ج ۳.
- ظریفی نیا، محسن (۱۳۹۷). *هویت جهادی در دو رمان دفاع مقدس*. ادبیات پایداری. شماره ۱۹. ۱۷۸-۲۰۲.
- ظریفی نیا، محسن (۱۴۰۰). *تحلیل سبک زندگی در رمان نخل‌های بی‌سر و ریشه در اعماق*. مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ۲۲(۵۳)، ۱۶۹-۲۰۰. DOI: 10.22083/JCCS.2020.183021.2785
- عضدانلو، حمید (۱۳۷۵). *درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی بر درباره گفتمان*. مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۱۰۳-۱۰۴.
- فیست، جس و دیگران (۱۳۹۸). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی. چاپ هجدهم. تهران: نشر روان.
- کسرای، محمد سالار (۱۳۸۸). *نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی*. مجله سیاست. شماره ۱۱، ۳۳۹-۳۶۰.
- لطف‌آبادی، محسن (۱۳۹۲). *بازخوانی نظریه مفهوم هویت*. خردنامه. شماره ۱۰. ۵۳-۶۵.
- لاکلا، ارنستو و دیگران (۱۳۹۵). *تحلیل گفتمان سیاسی (امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی)*. ترجمه امیررضایی پناه و سمیه شوکتی مقرب. تهران: تیسرا.
- مردیها، مرتضی (۱۳۷۹). *در شعله‌های آب*. تهران: انتشارات علم.

- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن، مجله معرفت. ۲(۲)، ۹۱-۱۲۴.
- معین، محمد (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- نجفی، موسی (۱۳۹۲). هویت‌شناسی. نشر آرما.
- نش، کیت (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
- ولک، رنه؛ وارن، آستین (۱۳۷۳). نظریه ادبیات. مترجمان ضیاء موحد و پرویز مهاجر. چاپ اول، نشر علمی فرهنگی.
- هنری، یدالله؛ آزرمی، علی (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام‌یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۲(۹۵)، ۴-۱۱۸.
- یورگنسن، ماریان؛ فیلیس، لوئیز (۱۳۹۵). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.